

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

انجمن اجتماعی زحمتکشان افغانستان

سیما سوژا

۱۳ جولای ۲۰۱۲

معارف زحمتکشان، معارف ثروتمندان

ولایت بامیان، در تمام بخش های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تعلیمی در بدترین حالت قرار دارد. مشکلات مردم روز به روز بیشتر می شود و مردم رنجیده این ولایت از این زندگی دردناک، فقر و بیچارگی خسته شده و راه دیگری ندارند مگر این که به ضد این زندگی درناک به پاخیزند.

آموزش و تعلیم یکی از بخش هایی است که در ده سال گذشته هم دولتمردان و هم حامیان تفنگدار خارجی شان در مورد آن هیاو و سروصدا راه انداخته است، اما وضعیت بامیان به خوبی نشان می دهد که این هیاو چقدر فریبنده و فرمایشی است. در ده سال گذشته میلیارد ها دالر در بخش معارف به «مصرف» رسیده است، اما همین اکنون دیده می شود که معارف در وضع بسیار بدی قرار دارد که نتایج امتحان کانکور در این ولایت به خوبی این وضعیت بد را نشان می دهد.

از شش دوره شاگردانی که در ولایت بامیان فارغ شده اند، تا هنوز تعداد کمی از آنان توانسته است پس از سپری نمودن امتحان کانکور به مؤسسات تحصیلات عالی و نیمه عالی جذب شوند و اکثریت شان بی نتیجه مانده اند و همین بی نتیجه ماندن نشان می دهد که دولت کنونی نمی تواند بر کیفیت و محتوی آموزش و معارف کار کند و فقط با کارهای ظاهری در صدد فریب دادن مردم هستند. مردم بامیان از سیستم فعلی معارف که نمی تواند واقعا شاگردان را آگاهی بدهد و آنان را به معنی واقعی کلمه باسواد بسازد.

همین وضعیت سبب شده است که تعدادی از پولداران بامیان فرزندان شان را به کابل بفرستند تا در کورس های خصوصی آماده گیری درس بخوانند تا بتوانند با نمرات خوب به پوهنخی های دلخواه شان کامیاب شوند، ولی کارگران، دهقانان و زحمتکشان بامیان که شب و روز کار می کنند و فقط لقمه نانی به دست می آورند و نمی توانند مصارف کرایه راه، کرایه اتاق و فیس کورس فرزندان شان را بپردازند، ناگزیر اولادهای شان را به مکاتب دولتی روان می کنند که وضعیت تدریسی و نصاب تدریسی آن را همه هموطنان عزیز ما به خوبی می دانند.

معلمان دلسوز و زحمتکش مکاتب، به جز آنهایی که با واسطه و رشوت معلم شده اند، در حالت بد زندگی قرار دارند. دولت که میلیون ها دالر را برای مصارف دسترخوان خرج وزیران، رؤیسان و معاش های وکیلان به

مصرف می رساند، میلیون ها افغانی از طرف وزیران و دولتمردان آن چور و چپاول می شود، میلیون ها افغانی برای خرید لندکروز و موترهای لوکس به مصرف می رساند، میلیون ها دالر را برای آب معدنی مصرف می کند، در عوض به معلمان که باید وظیفه بسیار مهم آگاهی دادن و آموزش دادن را به پیش ببرند، به اندازه ای معاش می دهند که حتی نان یک ماهه خانواده آنان را بس نمی کند، لذا معلمان مجبور هستند پس از تدریس تکسیوانی، دهقانی و کارگری بکنند تا بتوانند شکم اولادهای شان را سیر کنند که واضح است از خستگی زیاد فرصتی برای این که آمادگی بگیرند، پیدا نمی کند و به گفته ترانه سرای بزرگ جهان، جان لنون، وقتی فکر کردن از آنان گرفته می شود.

با همین وضعیت باید دهقانان، کارگران و سایر زحمتکشان اولادها و فرزندان شان را به مکاتبی بفرستند که وضعیت تدریس در آن خوب نیست و به هیچ صورت آگاهی دهنده نیست و کسانی که پول دارند فرزندان شان را به مکاتب خصوصی روان می کنند تا زبان انگلیسی و کمپیوتر را در کنار سایر درس ها بیاموزند و در آینده به اصطلاح به برکت همین انگلیسی و کمپیوتر بتوانند معاش های خوب بگیرند.